



قدرت گرفتن راست‌های افراطی در آرژانتین و هلند، زنگ‌های خطر را به صدا در آورده است

به راست راست



سیده‌حسنا پیروان خبرنگار گروه جهان‌شهر

موهای بی‌نظم و ژولیده، کلمات نسنجیده و ناشایست، رفتار و عاداتی که هر لحظه او را بیش از پیش شبیه یک کابوی تمام عیار می‌کند، چیزی نیست جز نمایشی کوتاه از سخنرانی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا. این تمام آن چیزی است که می‌توان درباره «خاویر میلی» رئیس‌جمهور منتخب آرژانتین گفت. سخنرانی‌های ترامپ، چنان‌نمایش غلیظی از ابتذال و اضمحلال سیاسی بود که هر مخاطبی بعد از دیدن آن، احتمالاً با این پرسش درونی مواجه شده که چگونه ممکن است چنین شخصی-که بیشتر به صحنه‌گردانان سیرک شباهت دارد تا یک شخصیت سیاسی- بر مسند ریاست جمهوری کشوری چون ایالات متحده تکیه بزند؟ آنچه ترامپ مظهر تام و تمام آن بود و اکنون در آرژانتین تکرار شده است، تحت عنوان «پوپولیسم» معرفی می‌شود.

در تعریف ساده پوپولیسم را عوام‌گرایی، به معنای ترجیح خواست عام مردم در برابر نخبگان سیاسی و خواص تعریف کرده‌اند. مفهوم مردم در این تعریف نه یک مفهوم واقعی بلکه برساخته سیاستمداران برای دوگانه‌سازی و کسب حمایت‌های جناحی است. پایه‌های پوپولیست بر نژادپرستی، ملی‌گرایی در برابر گسترش چشم‌گیر جهانی شدن، اهداف کوتاه‌مدت و تغییرات سطحی و از همه مهم‌تر بی‌ثباتی سیاسی بنا شده است.

برآمدن جریان‌های پوپولیستی در فضای حکمرانی کشورها، حاصل ناراضایی مردم در برابر سیاست‌های داخلی و یا جهانی کشورشان است. مردمی که جهانی شدن را تهدیدی برای هویت و ملیت خود می‌دانند، از ضعف ایدئولوژیک رنج می‌برند، از روند توزیع منافع اقتصادی و اجتماعی ناراضی‌اند و از فساد موجود در طبقه حاکمیت آسیب‌دیده‌اند. جذب صدای سازودهل جریان‌های پوپولیستی که اتفاقاً در دور بسیار خوش است، می‌شوند. برخی تحلیل‌گران معتقدند اگر جنبش‌های چپ در هدایت مجدد خشم از نابرابری‌ها به سمت اهداف درست موفق تر بودند، شاید راست افراطی از جذابیت کمتری برخوردار می‌شد.

همدستی جریان اصلی با راست‌های افراطی

فرانسیس فوکویاما، صاحب‌نظریه «پایان تاریخ» پنج‌سال پیش در زمان مذاکرات اتحادیه اروپا با انگلستان، در یک گفت‌وگوی کوتاه با «جرج ایتون» از «ضرورت بازگشت سوسیالیسم» و هشدار به لیبرال‌ها مبنی بر اینکه «فکر نکنند لیبرال دموکراسی پایان جدید تاریخ است» سخن گفت. او که از مخالفان سرسخت ترامپ و راست افراطی است، منظورش از بازگشت سوسیالیسم را جبران شکاف بزرگ میان درآمد کارگران و ثروتمندان توصیف کرده‌بود تا بلکه از این طریق بخشی از شکاف لیبرالیسم را بپوشاند. راست‌ها دقیقاً بر همین شکاف‌ها سوار شدند و به قدرت رسیدند اما این قدرت گرفتن بدون همدستی احزاب جریان اصلی امکان‌پذیر نبوده‌و نیست. در همین امریکاترامپ توسط تشکیلات جمهوری خواه ایالات متحده خلق شد. در سراسر جهان غرب، احزاب جریان اصلی تمایل دارند به شدت با راست افراطی مخالفت نکنند و دیدگاهی جایگزین از آینده ارائه دهند، بلکه از لفاظی‌ها و سیاست‌های آنها تقلید می‌کنند. به عنوان نمونه بسیاری از سیاست‌هایی که ترامپ آنها را در دستور کار خود قرار داد، با شدت و ضعف توسط پایدن ادامه پیدا کرد.

اروپا و آمریکا در دام پوپولیسم

ظهور امواج پوپولیستی در اروپا و ایالات متحده ریشه در قرن نوزدهم دارد. در

لاوروف: سلطه ۵۰۰ ساله

غرب رو به پایان است

وزیر خارجه روسیه با شرکت در نشست «انجمن دوچه» از طریق ویدئوکنفرانس گفت سلطه ۵۰۰ ساله غرب رو به پایان و در حال جایگزینی با «دنیای جدید چندقطبی» است. به گزارش ایسنا، سرگئی لاوروف گفت: «حدس می‌زنم پیرامون دنیای چندقطبی گفت‌وگو و رایزنی کرده‌اید؛ دنیایی که پس از ۵۰۰ سال سلطه غرب که آن را «غرب جمعی» می‌نامیم، در حال ظهور است.» وی تأکید کرد: «این هژمونی آمریکا و متحده‌اث بر اساس وقایع تاریخی متنوعی از جمله استثمار بی‌رحمانه از مردم و سرزمین‌های دیگر کشورها بوده است.» سرگئی لاوروف در ادامه گفت: «غرب خیال کرد که می‌تواند از الگوی «جهانی‌سازی» که برای قرن‌ها ساخته بود جهت حفظ سلطه خود استفاده کند اما سایر کشورها دقیقاً با استفاده از اصول و ابزارهای مربوط به «جهانی‌سازی» غرب توانستند غرب را در زمین خود شکست دهند و اقتصاد را بر اساس حاکمیت ملی و بر اساس تعادل منافع با سایر کشورها بسازند.»

قدرت گرفتن راست‌های افراطی در آرژانتین و هلند، زنگ‌های خطر را به صدا در آورده است

تلفات اسرائیل دوبرابر شد



سیده‌هدی طالبی خبرنگار گروه جهان‌شهر

رژیم صهیونیستی از ۷ اکتبر با سه بحران تعداد «کشته‌ها»، «زخمی‌ها» و «اسرا» روبه‌رو بوده است. این مشکلات نه حل شده‌اند و نه از شدت آنها کاسته شده است. وجود این بحران‌ها در جنگ‌ها طبیعی هستند اما «میزان تلفات» در جنگ با «نیروهای شبه‌نظامی» در «منطقه‌ای محدود» و «تحت محاصره»، شاخصه‌هایی هستند که این موضوع را در جنگ «طوفان الاقصی» متفاوت کرده‌اند. به جهات داخلی برای صهیونیست‌ها، موضوع نسبت‌هایی که این تلفات با نمونه‌های مشابه برقرار می‌کنند، دارای اهمیت است. میزان تلفات به نسبت جمعیت، در قیاس با درگیری‌های دیگر نقاط جهان و همچنین سوابق جنگی پیشین رژیم، زوایای مهمی در تعیین جایگاه و عمق تلفات تل‌آویو به حساب می‌آیند. ارتش رژیم صهیونیستی، بعدازظهر روز یکشنبه (۱۹ آذر)، در بیانیه‌ای اعلام کرد از زمان آغاز جنگ، ۴۲۵ نظامی اش جان باخته و ۱۵۹۳ نظامی هم زخمی شده‌اند.

آمار منتشره توسط ارتش اما با گزارش دو رسانه مشهور رژیم شکاف بزرگی داشت. روزنامه بدیعوت آحارونوت یک روز قبل از اعلام آمار ارتش، گزارش کرده بود تعداد نظامیان زخمی شده به ۵ هزار نفر می‌رسد که ۲ هزار نفر آنها به‌طور رسمی، معلول شناخته می‌شوند. این آمار، ۲٫۲ برابر بیشتر از آمار ارتش است. این شکاف باعث شد روزنامه هآرتص در همان روز یکشنبه به آمار ارتش واکنش نشان دهد. هآرتص در گزارشی با عنوان «ارتش اسرائیل هزار و ۵۹۳ زخمی را از ۷ اکتبر گزارش می‌دهد، اما داده‌های بیمارستانی بسیار بیشتر است»، به این موضوع پرداخت. این روزنامه در ادامه تأکید کرده بود برخلاف درگیری‌ها و جنگ‌های گذشته، ارتش از گزارش تعداد سربازان زخمی و وضعیت آنها خودداری کرد و تنها پس از اینکه هآرتص به این موضوع اعتراض کرد، دست به انتشار آمار زد. در این گزارش آمده است طبق داده‌های وزارت بهداشت، در بازه زمانی ۷ اکتبر تا ۱۰ دسامبر، ۱۰ هزار و ۵۲۸ نفر سرباز و غیرنظامی که در جنگ زخمی شده‌اند، به بیمارستان‌ها مراجعه کرده‌اند. این روزنامه می‌نویسد با بررسی جزئیات آماری «یک شکاف قابل توجه و غیرقابل توضیح بین اطلاعات گزارش شده توسط ارتش و بیمارستان‌ها» شناسایی کرده است. به عنوان مثال، مرکز پزشکی بازیلای در اشکلون به تنهایی هزار و ۹۴۹ سرباز زخمی شده در جنگ را از ۷ اکتبر درمان کرده است. این آمار به تنهایی از کل آمار زخمی‌ها که ارتش اعلام کرده، بیشتر است. گزارش اضافه کرده «حدود هزار سرباز دیگر در مرکز پزشکی سوروگا در بیر شوا» و «۶۵۰ سرباز دیگر در مرکز پزشکی شبا در تل‌هاشومر» مداوا شده‌اند. هآرتص در بررسی‌های خود، جزئیات بیشتری از مراجعه زخمی‌ها به بیمارستان‌های رژیم را آورده و نوشته است، براساس آمارهای به‌دست‌آمده، تعداد زخمی‌ها دوبرابر آمار اعلامی ارتش است.

مقایسه‌آماری

تعداد کل کشته‌های رژیم هزار و ۲۰۰ نفر و مجموع زخمی‌ها ۱۰ هزار و ۵۲۸ نفر هستند. یک راه مهم برای درک عمق این تلفات، معادل‌سازی آنها با جمعیت کشورهای دیگر و همچنین جنگ‌های دیگر است. ایران ۸۸ میلیون نفر و رژیم صهیونیستی ۹ میلیون نفر جمعیت دارند. با توجه به اینکه جمعیت ایران ۱۰ برابر رژیم است، اگر نسبت آمارها در جمعیت ایران منعکس شود، ایران ۱۲ هزار کشته و ۱۰۵ هزار و ۲۸۰ زخمی می‌دهد. مجموع تلفاتی نزدیک به ۱۲۰ هزار نفر، اوکراین با ۴۳ میلیون نفر جمعیت، ۵ برابر جمعیت اوکراین، به معنای ۶۰ هزار کشته و ۵۲ هزار و ۷۴۰ زخمی می‌شود. این درحالی‌است که براساس آمارهای آمریکایی، اوکراین در جریان دو سال جنگ، ۷۰ هزار کشته و بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار نفر زخمی داده است. به عبارتی دیگر، نسبت تلفات رژیم در دوماه جنگ در غزه، در بخش کشته‌ها تقریباً مشابه با کشته‌های اوکراین در دو سال جنگ با روسیه است. تلفات رژیم در قیاس با سوابق گذشته خودش نیز اسف‌بار است. صهیونیست‌ها در انتفاضه اول مردم فلسطین طی سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۳، در طول ۷ سال در مجموع ۱۶۰ کشته داده‌اند. در جریان انتفاضه دوم طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، در طول ۶ سال تعداد کشته‌های رژیم به هزار و ۷۴ نفر رسید. در جمع دو انتفاضه که شامل شورش سراسری مردم و گروه‌های شبه‌نظامی فلسطینی بود و بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار نفر و هزار و ۲۳۴ صهیونیست کشته شدند که تقریباً با تعداد کشته‌های رژیم در دوماه جنگ با غزه برابر است. مقایسه نسبت تلفات رژیم با ایران به عنوان اصلی‌ترین دشمنش در منطقه، مقایسه نسبت تلفات صهیونیست‌ها با اوکراین در جنگ بزرگ‌شان با روسیه و همچنین قیاس با مجموع دو انتفاضه مردم فلسطین نشان‌دهنده بزرگی تلفات صهیونیست‌ها در جنگ کنونی است. این قیاس آماری البته با دو تهدید روبه‌روست. نخست آنکه جنگ پایان نیافته و تلفات افزایش خواهد یافت و دوم آنکه صهیونیست‌ها در اعلام تلفات‌شان سخفی‌کاری داشته‌اند. درنظر گرفتن این دو نکته حکایت از عمیق‌تر بودن جایگاه تلفات جنگ فعلی دارد.

روندرو به رشد

شبکه تلویزیونی «کان» در رژیم، به نقل از منابعی گزارش کرده جنگ در غزه تا دو ماه دیگر ادامه خواهد داشت. یوآف گالات، وزیر جنگ رژیم نیز هفته گذشته گفته بود جنگ با همین شدت تا دو ماه دیگر ادامه می‌یابد. روزنامه بدیعوت آحارونوت نوشته است بخش درمان روزانه ۶۰ نظامی مجروح را پذیرش می‌کند. این تعداد زخمی به دلیل ادامه حضور سربازان رژیم در خیابان‌ها و مناطق مسکونی غزه روی دست رژیم تل‌آبار می‌شود. سربازان پیاده‌نظام وزرهی رژیم از فاصله نزدیک در معرض شلیک راکت‌های ضدزره، شلیک گلوله، انفجار تله‌های بمب‌گذاری شده و تک‌تیراندازان قرار دارند.

اگر بنابر تخمین‌های اعلام شده توسط رژیم طول مدت نبرد زمینی را ۶۰ روز دیگر و تعداد زخمی‌های روزانه را نیز ۶۰ نفر در نظر بگیریم، تا دوماه دیگر ۳ هزار و ۶۰۰ نظامی به آمار زخمی‌های کنونی اضافه می‌شوند. با افزوده شدن این تعداد بر ۵ هزار زخمی کنونی، تعداد کل زخمی‌ها سه نزدیک ۱۰ هزار نفر می‌رسد. البته این موضوع مهم را نیز باید در نظر داشت که اگر مقاومت در شرایط سختی قرار بگیرد، احتمال استفاده از تسلیحات پیشرفته‌تر در جنگ و به تبع آن تلفات بیشتر نیز وجود دارد.

اسلام‌ستیزی، گرایش‌های یهودستیزی رانیز به همراه خود داشته است. بسیاری از احزاب راست‌گرای اروپا بر مبنای تفکرات نئونازیستی و فاشیستی شکل گرفته‌اند که آنها را تبدیل به تهدیدی بالقوه برای یهودیان و حتی رژیم صهیونیستی می‌ساخت؛ اما دشمن مشترک عاملی شده که اسرائیل و جریان‌های راست افراطی در اروپا به همکاری بکشاند. صهیونیست‌ها به‌صراحت به این همکاری اعتراف کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که مراد ماه‌سال جاری شبکه ۱۳ تلویزیون رژیم صهیونیستی در برنامه‌ای گفت که «موج راست‌گرایی که در سال‌های اخیر اروپا را فراگرفته، شاهد نزدیکی چشمگیر با اسرائیل است، در دوهه گذشته جریان‌های راست اروپایی که در صدد زدودن رد جنایات از گذشته فاشیستی خود بودند، بسیاری از تفکرات ضد صهیونیستی خود را تغییر دادند. برای مثال مارین لوین، اصلی‌ترین رقیب پوپولیست امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، که حزبی سابقه‌ای طولانی در یهودستیزی دارد نه تنها سعی در نزدیکی به یهودیان دارد، بلکه حتی سعی دارد تا بر سابقه ضدیهود فرانسه و حزبی سرپوش بگذارد.

همچنین رهبران راستی مجارستان و لهستان نیز در گفت‌وگوها و وضع قواعد جدید، منکر دست داشتن خود در کشتار یهودیان در جریان جنگ جهانی دوم شده‌اند. از سوی دیگر درحالی که رسانه‌های اسرائیلی دولت نتانیاهو نسبت به رشد چشمگیر راست‌گرایی در اروپا هشدار می‌دادند وی را از رابطه با آنها برحذر می‌داشتند، نتانیاهو نهن‌تنها به این هشدارها اعتنایی نکرد بلکه درصدد برقراری روابط دوستانه با آنها برآمد. در سال ۲۰۱۰ وقتی تل‌آویو میزبان حدود ۳۰ نفر از رهبران اتحاد «حزب‌های اروپایی برای آزادی و حقوق مدنی» بود، بسیاری از رسانه‌ها نتانیاهو را به این مهم کردند که برای مقابله با اسلام و فلسطین دست به هرکاری، حتی پذیرش نازیست‌ها می‌زند. تأکید رژیم صهیونیستی بر اشتراک دشمن و هدف تقابل با اسلام و چرخش احزاب راست اروپا حداقل آنها را به نقطه‌ای رسانده که نه به عنوان دشمن دیرینه صهیونیست بلکه به عنوان هم‌پیمانان جدیدش شناخته می‌شوند.

ویلدرس، رهبر حزب برای آزادی که از احزاب دست‌راستی هلند است، در سال ۲۰۰۹ در برنامه‌ای تلویزیونی اعلام کرده بود: «ما (در غرب) همه اسرائیل هستیم. اسرائیل اولین خط دفاعی غرب علیه اسلام است.» این جمله بیانگر همکاری دو جانبه‌ای است که سال‌هاست شروع شده و اکنون نیز در جریان است؛ آنها از اسرائیل علیه اسلام استفاده می‌کنند و اسرائیل از آنها علیه فلسطین و مسلمانان. آنچه به عنوان مهم‌ترین عامل این احزاب را به سوی اسرائیل متمایل ساخت، اسلام‌ستیزی افراطی آنها بود. بسیاری از رهبران احزاب دست‌راستی امیدوار هستند تا اسرائیل آنها را از دست مهاجران مسلمان نجات دهد. جریان راست افراطی همواره مهاجران مسلمان را به عنوان غارتگران فرهنگ و سرمایه‌ی اروپایی در نظر داشته است. در نظر آنها راه حل نه در تأمین امنیت و ثبات منطقه بلکه

در «ناویدی مسلمانان به دست اسرائیل» است.

در احزاب دست‌راستی آمریکا اما آنچه تاگزی ندارد، حمایت از اسرائیل است. در تمام سال‌های گذشته احزاب دست‌راستی ایالات متحده صراحتاً حمایت خود از رژیم صهیونیستی را اعلام کرده‌اند. دولت ترامپ بارها از روابط و حمایت همه‌جانبه واشنگتن از تل‌آویو صحبت کرد. از طرح دولت ترامپ برای تقسیم فلسطین گرفته تا قانون منع ورود مهاجران شش کشور اسلامی و بسیاری از قواعد اسلام‌ستیزانه دیگر، عرصه‌برابر مسلمانان در آمریکاتنگ‌تر کرد. جریان‌های راستی ایالات متحده همواره به اسرائیل به چشم «سپری در برابر ایران» نگاه کرده‌اند و این لزوم حفظ این رژیم را برای آنان دوچندان می‌کند. با این اوصاف رشد بیشتر احزاب راستی در اروپا و آمریکا به همان میزان که به نفع رژیم صهیونیستی است، زنگ خطری برای کشورهای اسلامی منطقه به‌ویژه ایران به حساب می‌آید.

تحریم شهرک‌نشینان توسط فرانسه و آلمان

وزیر امور خارجه فرانسه پیش از نشست اتحادیه اروپا گفت پاریس در حال بررسی اعمال تحریم‌هایی علیه عوامل صهیونیستی است که در شهرک‌های غیرقانونی کرانه‌باختری در خشتونت‌ها نقش دارند. آلمان هم وعده اقدام مشابهی را داده است. به گزارش ایسنا، وزرای خارجه اتحادیه اروپا روز دوشنبه اعلام کردند اقدامات احتمالی درواکنش به درگیری رژیم صهیونیستی علیه مقاومت فلسطین را بررسی می‌کنند که از جمله شامل تحریم امور مالی حماس و ممنوعیت سفر برای شهرک‌نشینان و عوامل صهیونیستی می‌شود که مسبب خشتونت‌ها و شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری هستند.
کاترین کولونا، وزیر خارجه فرانسه در این رابطه گفت وضعیت در کرانه باختری ما را نگران کرده است، به‌ویژه به دلیل موارد خشتونت بیش از حد توسط شهرک‌نشینان افراطی. فرانسه در هفته‌های اخیر باب‌گفت‌وگو را میان اعضای اتحادیه اروپا درباره تحریم‌های احتمالی اتحادیه اروپا علیه شهرک‌نشینان صهیونیستی که فلسطینی‌ها را در کرانه باختری هدف قرار می‌دهند، گشوده است.

زلنسکی به کاخ سفید

دعوت شد

جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا همتای اوکراینی خود، ولادیمیر زلنسکی را برای گفت‌وگو درباره تحولات جنگ و تأکید بر «اهمیت حیاتی» ادامه حمایت ایالات متحده از کی‌یف، به کاخ سفید دعوت کرد. به گزارش ایرنا به نقل از رویترز، کاخ سفید یکشنبه شب در بیانیه‌ای اعلام کرد که این دیدار روز سه‌شنبه انجام خواهد شد و طرفین درباره «نیازهای فوری» اوکراین گفت‌وگو خواهند کرد. این دیدار در حالی برگزار خواهد شد که کنگره آمریکا با بودجه اضافی برای کمک به اوکراین و رژیم صهیونیستی مخالفت کرده است. زلنسکی چهارشنبه گذشته در جلسه ویدئویی با رهبران گروه هفت برای ترغیب آنها به ارائه کمک نظامی بیشتر به اوکراین گفت: «امید روسیه به یک چیز است؛ اینکه سال آینده انسجام جهان آزاد دچار فروپاشی شود. روسیه امیدوار است که آمریکا و اروپا دچار ضعف شوند و از اوکراین حمایت نکنند. وی همچنین برای جلب کمک و حمایت کشورهای آمریکای لاتین به این قاره سفر کرده است.»